



گفت‌وگو با علی ازادنیا، هنرمند پیشکسوت مشهد که تئاتر اجتماعی را دوست دارد

۵۰۴

همیشه علاقه خودم را به صحنه می‌برم



عکس: نرجس شاکری/شهرآرا



درباره مسجد محله لشکر که ارتشی‌ها پایه‌گذارش بودند

روایت نسل‌ها
در مسجد صاحب‌الزمان (عج)

۶

اهالی محله آب‌وبرق از نبود سرعت‌گیر
در چند تقاطع ابتدای بولوار گلایه دارند
گلشن، زیر چرخ ویراژ خودروها

۲

علی بهمن‌آبادی، دارنده رتبه ۹ کنکور علوم انسانی
از مسیر تحصیلی‌اش می‌گوید
موفقیت با «بی‌نهایت‌شو»

۷



اهالی محله آب و برق از نبود سرعت گیر در چند تقاطع ابتدای بولوار گلایه دارند

گلشن، زیر چرخ ویراژ خودروها

جمعیت این معبر باتوجه به تعداد برج‌ها زیاد است و باید تمهیداتی برای ایمنی ترافیک خیابان گلشن اندیشیده شود. او در ادامه بیان می‌کند: تازگی‌ها خیابان گلشن شده است پاتوق ماشین‌ها و موتورها و به قول جوان‌ها، خیلی‌ها می‌آیند برای دور دور! چند روز پیش، یک خودرو پراید از فاصله دور با سرعت آمد و نزدیک خانه مادستی کشید و ماشین چرخید! بعد با سرعت زیاد حرکت کرد و همین کار را در مسیر مخالف انجام داد. اگر در این خیابان سرعت گیر باشد، خودروها نمی‌توانند به این راحتی با سرعت زیاد حرکت کنند و جان اهالی را به خطر بیندازند.

● تأیید پلیس راهور لازم است

درباره درخواست اهالی خیابان گلشن مبنی بر نصب سرعت گیر در تقاطع‌های این معبر با رئیس اداره حمل و نقل و عمران شهرداری منطقه ۹ گفت و گومی‌کنیم. سیدهادی صالحی با بیان اینکه ترافیک خیابان گلشن سنگین است و همین موضوع باعث بروز تصادفاتی در این معبر شده، به مامی‌گوید: این هفته دوباره همراه مسئول امور حمل و نقل و ترافیک شهرداری منطقه ۹ از خیابان گلشن بازدید می‌کنیم؛ اهالی مطمئن باشند که بهترین تصمیم برای بهبود اوضاع ترافیکی معبر اتخاذ خواهد شد.

صالحی در ادامه تأکید می‌کند: برای نصب سرعت گیر، نامه درخواست اهالی و تأیید پلیس راهور باید ضمیمه شود تا شهرداری برای جانمایی سرعت گیرها اقدام کند. باتوجه به وضعیت ترافیکی این معبر، به احتمال زیاد در خیابان گلشن، سرعت گیر نصب خواهد شد.

● صدای ترمزهای دل‌خراش

رستوران پررفت و آمد، مجتمع تجاری آرمیناژ و برج‌ها و مجتمع‌های مسکونی فراوان باعث ترافیک زیاد در این معبر شده است، به طوری که پلیس راهنمایی و رانندگی در برخی از ساعات، قسمتی از خیابان را مسدود می‌کند تا خودروها فقط بتوانند از بولوار هفت تیر به این خیابان وارد شوند و راه خروج را می‌بندد، مگر از مسیر معابر فرعی که آنجا هم ترافیک زیادی دارد.

محسن کاشانی که مدیر باشگاه ورزشی ابتدای خیابان گلشن است، به مامی‌گوید: از ابتدا تا انتهای خیابان گلشن سه تقاطع وجود دارد که در همگی آن هارفت و آمد خودرو زیاد است. تقاطع خیابان اصلی با فرعی‌های گلشن ۱ و ۲، گلشن ۳ و ۴ و گلشن ۵ و ۶، سه چهارراه این معبر است که قبل و بعد هیچ کدام از آن‌ها سرعت گیر ندارد و معمولاً حوادث زیادی در این محدوده هارخ می‌دهد. او ادامه می‌دهد: ماکه در باشگاه هستیم، هر روز صدای ترمزهای دل‌خراش و برخورد ماشین‌ها را می‌شنویم؛ مثلاً خودرویی با سرعت زیاد در خیابان گلشن در حال حرکت است و خودرویی دیگر از فرعی گلشن یک خارج می‌شود و به آن می‌کوبد. اگر در خیابان اصلی یا فرعی‌ها سرعت گیر باشد، ماشین‌ها نمی‌توانند به راحتی و با سرعت زیاد در این مسیر تردد کنند.

● خیلی‌ها می‌آیند برای دور دور!

مژگان عظیم‌زادگان یکی دیگر از اهالی است که خانه‌اش نبش گلشن ۴ قرار دارد. او می‌گوید: همین دیروز در این تقاطع، یک خودرو پراید با موتور تصادف کرد و باعث مجروح شدن راکب موتور شد.

“

چند روز پیش، یک خودرو پراید از فاصله دور با سرعت آمد و نزدیک خانه مادستی کشید و ماشین چرخید! بعد با سرعت زیاد حرکت کرد و همین کار را در مسیر مخالف انجام داد

هم قدم

۹

دوره‌می دخترانه در باغ‌شهربانو

به مناسبت هفته تربیت بدنی و ورزش و به همت معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه، همایش ورزشی و دانش‌آموزی در باغ‌شهربانوی وکیل آباد برگزار شد. این برنامه که با حضور دانش‌آموزان دبیرستان امام حسین (ع) اجرا شد، با بخش‌های متنوع ورزشی همچون جودو، کاراته، اسکیت، حلقه زنی، ژیمناستیک همراه بود.

اخطار برای سازه‌های خطرآفرین

در هفت ماهه نخست امسال، واحد نظارت بر ساخت و سازه‌های منطقه ۹، ۱۰۶ اخطاریه صادر کرده است که از این تعداد، ۱۶۷۱ اخطاریه مربوط به ایمنی و ۳۴۵ اخطاریه توقف فعالیت‌های ساخت و ساز بوده است. مهم‌ترین تخلفات گزارش شده شامل پیشروی طولی، ساخت طبقات مازاد و افزایش زیربنای غیرمجاز است.

پیاده‌روهای هموار پیش روی شهروندان

پروژه پیاده‌رو سازی بولوار سرافرازان از تقاطع بولوار نماز تا انتهای بولوار سرافرازان با پیشرفت فیزیکی ۴۵ درصدی همراه بوده است. پروژه مذکور با اعتباری بالغ بر ۱۱۱ میلیارد ریال و به همت اداره فنی و عمران در حال اجراست. براساس برنامه زمان‌بندی این پروژه تا پایان امسال به بهره‌برداری می‌رسد و در اختیار شهروندان قرار می‌گیرد.

شهر خبر

۹



بیش از ۱۹۰۰ تن پسماند ترو بیش از ۲۶ تن پسماند خشک از منطقه ۹ جمع شده است

گامی برای نجات محیط زیست

ریاحی | شهردار منطقه ۹ از جمع‌آوری بیش از ۱۹۰۰ تن پسماند ترو و بیش از ۲۶ تن پسماند خشک طی یک دوره چهار روزه در منطقه ۹ خبر داد.

سعید حسینی‌قلی‌زاده در این باره گفت: در راستای ارتقای بهداشت محیط شهری و اجرای منظم طرح مدیریت تفکیک پسماند از مبدأ، در چهل روز گذشته، حدود یک میلیون و ۹۱۷ هزار و ۸۹۳ کیلوگرم پسماند ترو و ۲۶ هزار و ۱۳۶ کیلوگرم پسماند خشک از محلات منطقه ۹ شهرداری جمع شده است.

او با اشاره به اینکه میزان بازیافت زباله‌ها در این طرح فعلاً به عدد یک درصد از کل پسماند‌ها رسیده است، افزود: در اجرای این طرح، هشت دستگاه ماشین‌آلات جمع‌آوری پسماند ترو به همراه دو دستگاه وانت مخصوص جمع‌آوری پسماند خشک به کار گرفته شده است. به گفته شهردار منطقه ۹، تعداد ۹ نفر از پاکبانان منطقه در شیفت شب و چهار نفر در شیفت عصر در اجرای این طرح مشارکت کرده‌اند؛ همچنین این طرح به مدت یک ماه دیگر انجام خواهد شد و شهروندان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر با سامانه ۱۳۷ تماس بگیرند.

شما می توانید اخبار کوچه و محله تان را به شماره ۰۹۳۸۵۹۶۴۰۸۵ در پیام رسان ایتا ارسال کنید

۱۰



● مسجد محله لشکر، میزبان مسابقه «دوبلور شو»

در راستای مسابقات نوجوان برتر (رویداد هم افزایی مساجد و تشکل های مشهد که رشته های مختلفی را شامل می شود)، مسجد صاحب الزمان (عج) در محله لشکر میزبان مسابقات «دوبلور شو» بود. در این مسابقات ۱۱ گروه و تشکل حضور داشتند و بیست گروه از مساجد مختلف مشهد در رشته دوبلوری به رقابت پرداختند. شرکت کنندگان ابتدا کلمه ای خواندند، سپس باید انیمیشنی را که پخش می شد، دوبله می کردند. داوران مسابقات را دو نفر از هنرمندان دوبلور محله لشکر تشکیل می دادند. این مسابقات سه تیم برتر خواهد داشت که اسامی آن ها در مراسم اختتامیه و طی ماه های آینده اعلام می شود.



● قهرمان خوش آمدی

فهیمة شهری اعلیرضا باقری، ورزشکار کم بینا و مدال آور محله خاتم الانبیا (ع)، در حالی پا به فرودگاه مشهد گذاشت که مجید طهوریان عسکری، عضو شورای شهر مشهد، جمعی از اهالی، اعضای شورای اجتماعی محله، مسئولان هیئت ورزش نابینایان و کم بینایان و... به استقبالش رفته بودند. او عضو تیم ملی گلبال ایران است. در رقابت های گلبال قهرمانی آسیا - پاسیفیک که از ۲۴ تا ۲۹ مهر در پاکستان برگزار شد، تیم ایران، در دیدار فینال با نتیجه چهار بر دو، تیم چین را شکست داد و به مقام قهرمانی رسید. علیرضا که ۲۳ سال دارد پیش از این هم عضو تیم ملی گلبال ایران بوده و از ورزشکاران محبوب محله اش است.



● سالمندان در عرصه رقابت های ورزشی

در هفته تربیت بدنی، رقابت های ورزشی دوستانه و جذابی در مسجد امام سجاد (ع) محله رازی برگزار بود. فوتبال دستی، میز پینگ پنگ، دарт، بد مینتون و حلقه در مسجد گذاشته شد و از یک ساعت قبل از نماز مغرب و عشا، خانم های توانستند از این وسایل استفاده کنند. این مسابقات همه گروه های سنی را به میدان آورده بود تا جایی که حتی خانم های شصت هفت ساله هم پا در عرصه رقابت ها گذاشته بودند و لحظات شاد و خاطره انگیزی برایشان ثبت شد. در پایان جوایزی به نفرات برتر این مسابقات دوستانه و محلی اهدا شد.



● صد نفر در مسیر زیارت اول کربلا

فعالان فرهنگی محله خاتم الانبیا (ع) در حال ثبت نام و جمع آوری اطلاعات درباره کربلا اولی ها هستند. قرار است نیازمندی که به دلیل مشکلات اقتصادی تاکنون نتوانسته اند به کربلا مشرف شوند، به همت خیران، راهی این سفر معنوی شوند. این پیشنهاد را مهدی رباطی، رئیس شورای اجتماعی محله شان، مطرح کرده است.

رباطی با تعدادی از خیران مرتبط است و از این طریق توانسته است هزینه سفر زیارت اولی ها را تأمین کند. در این اعزام که احتمالا تا حدود یک ماه آینده انجام می شود، حدود صد نفر زیارت اولی راهی سرزمین کربلا می شوند.

دیدار و درو مردم و مسئولان

نشست کمیته نظارتی شماره ۲ شورای اسلامی شهر به منظور رسیدگی به پرونده های شهروندان این منطقه و رفع مشکلات اهالی با حضور حسن موحدیان و فاطمه سلیمی، رئیس و عضو کمیته نظارتی منطقه ۱۰ و وحید برجسته نژاد، شهردار منطقه برگزار شد. اعضای شورای شهر پس از آن، از پروژه های منطقه بازدید کردند.

دوره های آموزشی دوام ثانی ها

کارگاه های آموزش امداد و نجات به همت واحد پدافند غیر عامل و پیشگیری از بحران منطقه برگزار شد که با استقبال چشمگیر شهروندان همراه بود. در این جلسه، موضوعاتی چون احیای قلبی ریوی، آتل بندی و پانسمان، استفاده از تورنیکت، تهیه دو کیف نجات (یکی در منزل و دیگری در خودرو) و شیوه پناه گیری ایمن در مکان های مختلف آموزش داده شد.

زیباسازی معابر منطقه ما

به منظور حفظ پاکیزگی و ارتقای بهداشت عمومی، در شش ماهه نخست سال جاری، بیش از ۱۳ میلیون متر طول از جدا اول منطقه شست و شو شده است. علاوه بر این به صورت روزانه بیش از ۷۳۲ هکتار از معابر منطقه توسط نیروهای خدمات شهری رفت و رروب و نظافت می شود.



۱۰

با همت معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۱۰
و پیگیری شهرآرامحله انجام شد

جانمایی باکس های زباله در نهضت

ریاحی ۱۰ اردیبهشت امسال بود که در شهرآرامحله، گزارشی درباره دپوی زباله هادر معابر فرعی خیابان های نهضت و یوسفیه به چاپ رسید. در این گزارش، اهالی درخواست جانمایی باکس زباله در معابر فرعی محله رسالت را مطرح کرده بودند. حال چند ماه پس از انتشار این گزارش، دو باکس زباله در ابتدای خیابان نهضت ۲ جانمایی شده است.

سعید میرسعیدی، معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۱۰، به شهرآرامحله گفت: از آنجاکه عرض معابر فرعی خیابان های فرعی نهضت و یوسفیه کم است، امکان جانمایی باکس زباله در همه این معابر فراهم نیست. با وجود این در ورودی این معابر سطل های زباله تعبیه شده است. دو باکس زباله هم در ابتدای خیابان نهضت ۲ در دسترس اهالی قرار گرفته است.



گفت‌وگو با علی آزادنیا، هنرمند پیشکسوت مشهد که تئاتر اجتماعی را دوست دارد

همیشه علاقه خودم را به صحنه می‌برم

شاهیان وارد اتاق ۵۸ در مجتمع امام رضا^(ع) می‌شویم. علی آزادنیا، یکی از پیشکسوتان تئاتر مشهد، به استقبالمان آمده است. تعارفمان می‌کند و سپس خودش با چهره‌ای آرام و آثار کسالت قدیمی‌اش، پشت میزی بزرگ می‌نشیند. پشت سرش، پوستری از نمایش هایش که کارگردانی کرده است، به چشم می‌آید: «آخرین بازی». خانه او بیشتر همین ساختمان و اتاق هایش است، نه محله زندگی‌اش در محله سرافرازان. جایی که با هم دوره‌ای هایش می‌نشاند و از تئاتر می‌گوید و می‌شنود. آزادنیا متولد ۱۳۳۴ است. خودش را «کارمند بازنشسته تئاتر» معرفی می‌کند. از نسل هنرمندانی که اوایل انقلاب با پست رسمی «بازیگر تئاتر» به استخدام اداره فرهنگ و هنر درآمدند. با وجود بازنشستگی، هنوز از تئاتر دل نکنده است. کلاس‌های بازیگری و کارگردانی‌اش در بخش خصوصی را خودش اداره می‌کند؛ و همچنان نمایش نامه می‌نویسد. او این روزها هم مشغول تمرین نمایشی به نام «پشت پنجره‌های فراموشی» به نویسندگی خودش است که در آن با احمد مینایی و حسین نوری همکاری می‌کند. نمایشی درباره خانه سالمندان که در آنجا با تئاتر درمانی، امید و میل به زندگی به افراد تزریق می‌شود.

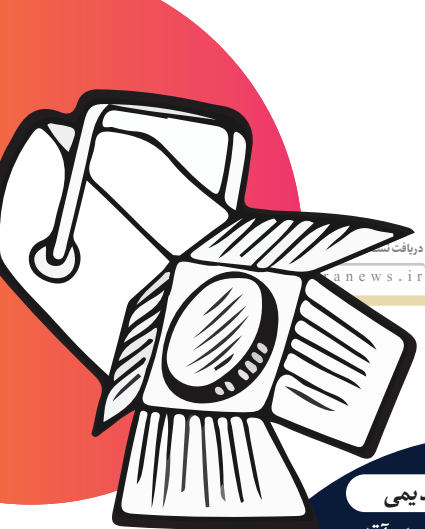
○ ● خطرات کاری با «ارجمند»ها

علی آزادنیا از معدود چهره‌هایی است که بخشی از گذشته تئاتر مشهد را می‌توان او مرور کرد؛ از کارگری در دهه ۵۰ تا تأسیس نخستین گروه تئاتر کارگری در استان. در «باران در شب» برای نخستین بار به طور رسمی روی صحنه رفت؛ نمایشی زیر نظر مرحوم از چهره‌های نامدار تئاتر مشهد. او آن روزها را با لبخند و کمی دلنگی به یاد می‌آورد و می‌گوید: در شب بود. یاد می‌آید وقتی خواستیم اجرا کنیم، ایشان به ما می‌گفتند شما هنوز در حد کارگر شاگردی کنید؛ با اینکه خیلی فعال بودیم و همین نمایش برای پخش از شبکه یک تلویزیون، ضبط روحیه شاگردی و سماجت، از نخستین کسانی بود که ایده «تئاتر کارگری» را در مشهد به اجرا گذاشت. با لبخ توضیح می‌دهد: آن موقع چیزی به اسم تئاتر کارگری وجود نداشت. من و چند نفر از بچه‌ها مثل ما هاجری، مرحوم محمد زخی و مرحوم بادم‌منش، گروهی تشکیل دادیم. اعضای گروه همه کارگران و راننده تاکسی و... ماتئاتر می‌ساختیم و در کارخانه‌ها و اداره‌ها کار اجرامی کردیم. در واقع ما او که تئاتر کارگری را در کارخانه‌ها فعال کردیم. به کارگران علاقه مند آموزش می‌دادیم، برای جشنواره‌ها آماده می‌شدیم.

همین فعالیت‌ها باعث شد که مرحوم داریوش ارجمند که آن زمان مسئول اد حکم مأموریت جدیدی به آزادنیا بدهد: «به من گفتند برو اداره کار، مسئول در اداره کار، دفتر تئاتر تأسیس و شروع کردیم به آموزش و سازمان دهی کارخانه‌ها نیروی فرستادند و ما آموزش می‌دادیم. حتی یک جشنو اسم جشنواره «امید» که گروه‌های کارگری از کل استان در آن شرکت این پیشکسوت تئاتر با اشاره به اینکه استعداد هایی بیرون آمدند که تلویزیون ایران شناخته شدند قدیمی‌ها یاد می‌کنند؛ گروه‌ها بالا آمدند؛ یکی حسینی است که آن بود، ولی حالا کارگرد مطرحی است.»

نمایش «خانات»، اولین بزرگ‌پرده به عنوان بازیگر برتر





دریافت نشد
news.ir

جمعه‌های تمرین تئاتر

علیرضا سوزنجی، پیشکسوت و دوست قدیمی

ما از همان سال‌های جوانی باهم بودیم. آن زمان آقای آزادنیابا بود و چند نفر از دوستانش هم هر کدام حرفه‌ای داشتند: یکی راننده بود، یکی کابینت‌ساز، یکی نجار. من آن موقع جوانی بیست ساله بودم که تئاتر کار می‌کردم. بعدها با هم در گروهی به نام «تئاتر کارگر» فعالیت می‌کردیم. جمعه‌ها دور هم جمع می‌شدیم و نمایش تمرین می‌کردیم تا بتوانیم اجرا بگذاریم. آن زمان اداره تئاتر اجازه اجرای یک شبه می‌داد. اما کم‌کم گروه رونق گرفت.

سال ۵۶ نمایش «رامرودی‌ها» را با آقای انوشیروان ارجمند، به نویسندگی آقای رضاصابری و کارگردانی آقای رضادانشور کار کردیم. من، آقای آزادنیابو چند نفر دیگر در آن نمایش بازی کردیم. بعد از اجرای تهران، وزیر وقت، نمایش را دید و دستور داد مدارا در فرهنگ و هنر استخدام کنند. از همان زمان تا امروز، در بیشتر نمایش‌های آقای آزادنیابو نقش اول را بازی کرده‌ام. ایشان نویسنده و کارگردان بسیار توانایی هستند و همکاری با او برای من همیشه افتخار بوده است. در نمایش جدیدی هم که نوشته‌اند، نقش اصلی را من بازی می‌کنم.

جامعه را به خوبی شناخته است

علی اصغر لشکری، فرهمکار و دوست قدیمی

من نزدیک به پنج دهه در عرصه نمایش فعالیت می‌کنم و بخش زیادی از این مدت، همراه با آقای آزادنیاسپری شده است. مهم‌ترین ویژگی او قابل اعتماد بودنش است که سبب شده دوستی ما بسیار دیرینه و مستحکم باقی بماند. آقای آزادنیابو انسانی فروتن و انتقادپذیر است؛ بارها پیش آمده که متنی برای تمرین به گروه آورده شده و نقد‌هایی دریافت کرده است. اما با روی باز پذیرفته و از دل همین انتقادات، مسیر پیشرفت خود را پیدا کرده است.

در بسیاری از کارهای نمایشی، من دستیار ایشان در کارگردانی بوده‌ام و هم بازی هم بوده‌ایم. به نظر من از دیگر ویژگی‌های آقای آزادنیابو، ساده‌وشیوایش است. او جامعه را به خوبی شناخته و نوشته‌هایش با قلمی بی‌تکلف ارائه شده است؛ همین سادگی باعث شده بسیاری از آثارش به دل مخاطبان بنشینند. نمایش‌هایی مانند «نقل تلخ» و «شقایق» نمونه‌هایی از آثارش هستند که بدون شعار و با صداقت، با مردم ارتباط برقرار می‌کنند.



همراهی همسر و خاطرات صحنه

نقش همسر آقای آزادنیابو هم در این مسیر پررنگ است. او با وجود مخالفت اولیه، کم‌کم علاقه و اشتیاق همسرش را به تئاتر پذیرفت و حتی در اجرای بعضی کارها، همراهی و حمایتش را نشان داد. هر چند پای هیچ نمایشی نیامده است. آزادنیابو با برخوردی که به خاطرات گذشته پیوند خورده است، تعریف می‌کند: اولین بار که نمایش «باران در شب» را کار می‌کردم، همسر منامد تماشايش. او بانویی مذهبی است و آن زمان با فعالیت من در تئاتر موافق نبود و می‌گفت این کارها گناه دارد. پدرم هم موافق نبود و به من می‌گفت: «شما به کافرخانه می‌روید!» اما همین مخالفت اولیه، با گذر زمان به همراهی و حمایت تبدیل شد: «کم‌کم دید که علاقه‌ام واقعی است و شروع کرد همراهی. چون دستخط من خوانا نبود، او نوشته‌هایم را پاک نویسی می‌کرد.» آزادنیابو تا کید می‌کند: صبوری همسر، انگیزه‌ای دوباره برای من بود. زندگی مشترک ما با وجود اختلاف نظرها در ابتدا، همیشه رضایت بخش باقی ماند و عشق به تئاتر هرگز مانع صمیمیت و شادی ما نشد.

گرد و خاک مشه‌دی هادر سالن!

سیس خاطره‌ای از اجرای یک نمایش مشه‌دی در تهران بیان می‌کند: در تئاتر شهر تهران اجرا داشتیم. نمایش درباره ازدواج و مسائل خانوادگی بود و پایان کاریک صحنه حساس داشت: دختر نقش اصلی باید تیر هوایی می‌زد، ولی در یکی از شب‌های اجرا، اشتباهی از نارنجک‌انداز استفاده شد. وقتی این اتفاق روی صحنه افتاد، بشم شیشه‌های صداگیر به کار رفته در سقف سالن، پایین ریخت. تماشاگران خارجی وحشت کردند و روزنامه‌ها نوشتند «مشه‌دی هاپشم سالن را ریختند». آزادنیابو خنده می‌گوید: این اتفاق‌ها خاطرات جذاب و واقعی صحنه هستند.

وقتی از اومی پرسیم اگر به گذشته برگردد، باز هم همین راه را می‌رود یا نه، بی‌درنگ پاسخ می‌دهد: باز هم تئاتر. من از کارگری آدم روی صحنه، ولی هر دویشان یک معنی داشت: ساختن. یکی با سیمان و آجر، یکی با نقش. البته تئاتر برای آزادنیابو فقط سرگرمی نبوده، بلکه ابزاری برای پیوند اجتماعی است: «من همیشه دوست داشتم تئاتر در خدمت خانواده و جامعه باشد. کارهایی که در تحکیم خانواده و اتحاد انسانی وجود دارد. برایم مهم‌تر از هر موضوعی است. به سیاست علاقه ندارم، چون آن تخصص خودش را می‌خواهد. ما باید معضلات جامعه را نشان بدهیم. تئاتر باید آموزش بدهد، نه اینکه فقط انتقاد کند.»

مدیون دکتر لطفی مقدم هستم

در خلال گفت‌وگو از کسالتش جویای شویم، بیماری‌ای که در دوره کرونا به آن مبتلا شد و هنوز آثارش باقی است. آزادنیابو می‌گوید: در دوره همه‌گیری کرونا، سالن‌های نمایش تعطیل شد و خیلی از ما عاشقان تئاتر از صحنه دور شدیم. همان سال هادچار عارضه مغزی شدم که خدا را شکر به خیر گذشت. او ادامه می‌دهد: بیماری اذیتم کرده است، ولی نمی‌توانم تئاتر را کنار بگذارم. این کار همه زندگی من است. این پیشکسوت عرصه تئاتر در خاطراتش از استادان و هم دوره‌ای‌هایش هم با احترام یاد می‌کند. از دکتر محمد علی لطفی مقدم که راه ورودش به تئاتر را هموار کرد؛ «ایشان را به حق پدر تئاتر خراسان می‌نامند. اگر ایشان نبود، من هیچ وقت تئاتری نمی‌شدم. من از کار ساختمانی آدم و هیچ کس باور نمی‌کرد بتوان روی صحنه بروم. لطفی مقدم گفت بیابینم چیکار می‌توانی بکنی. اگر آن فرصت را به من نمی‌داد، شاید سرنوشت من تغییر می‌کرد.» البته او در مسیر تئاتر بهای سنگینی هم پرداخت: «من دو تا ماشین داشتم، یکی سواری، یکی وانت. هر دو را فروختم و خرج تئاتر کردم. حتی همسر به من گفت یا تئاتر یا من. گفتم تئاتر چون نمی‌توانستم از آن جدا باشم. هر چند که قدران همسر هستم، زیرا با صبوری و مهربانی خودش، با من کنار آمد. حالا سه دختر و یک پسر دارم که همه تحصیل کرده هستند، ولی هیچ کدام مثل من درگیر صحنه نیستند.»

آزادنیابو افتخار کسب پنج تندیس جشنواره فجر را دارد، می‌گوید: از سال ۶۲ تا ۷۵ عناوینی کسب کردم، از جمله تندیس بازیگری نقش اول و دوم و جایزه بازیگری از اسپانیا برای نمایش تلویزیونی پهلوانان.

او از علاقه‌اش به نقش‌های اجتماعی و نمایش‌هایی می‌گوید که نوشته و اجرا کرده است: «خودم هم می‌نویسم، هم کارگردانی می‌کنم. همیشه محور کارهایم زن و مادر بوده است، چون ریشه خانواده است. سبک‌های امروزی تئاتر را که پر از شوخی و هجویات و موزیکال است، قبول ندارم. من تئاتر اجتماعی را دوست دارم و خدا را شکر نمایشی مطابق علاقه‌ام نیست که کار نکرده باشم. همیشه علاقه خودم را به صحنه می‌برم.

اجرای تخت یا برادرم

به روی این هنرمند یک به پنجاه سال صحنه تئاتر گذشته سور بی وقفه روی چک‌وبی امکانات به برقرار مانده است. حرف می‌زند، هم نه در یک قاب تصویر و برای همین راهی ت خودش را دارد. با کند: آن سال‌های و اونت برای کارم، اما و اشتیاقی به تئاتر

ی بودم. از جوانی همین کار بودم، اما تئاتر کار می‌کرد، وارد رامی کردیم. کم‌کم

باز زندگی شخصی سال ۱۳۵۳ نمایش انوشیروان ارجمند، اولین کارمان باران دانی نیستید و باید شد. آزادنیابو همین ندر رضایتی برایمان حسن کریمی، تقی نر بودند. قالی باف، اولین گروهی بودیم تمرین می‌کردیم، و

از دل همین دوره، بعد ها در سینما و با افتخار از بعضی خیلی‌ها از همان شان آقای کاظم موقع روزنامه فروش ان و در سینما چهره



پشت صحنه تئاتر «شکر آخر»

نمایش «نقل تلخ» - تقدیر به عنوان بازیگر نقش اول مرد در هشتمین جشنواره تئاتر فجر - سال ۱۳۶۸

حضور در پنجمین جشنواره تئاتر فجر و نمایش «شکر آخر» به کارگردانی انوشیروان ارجمند - سال ۱۳۶۵

نمایش «حسینی» - هشتمین جشنواره تئاتر فجر دیپلم افتخار بازیگر نقش اول مرد - سال ۱۳۶۶

دوره جشنواره تئاتر فجر نقش اول مرد - سال ۱۳۶۱

۱۰



درباره مسجد محله لشکر که ارتشی ها پایه گذارش بودند

روایت نسل ها در مسجد صاحب الزمان (عج)

خرید زمین مسجد توسط اهالی

دهه های ۶۰ و ۷۰ که بیشتر ساکنان فلاحی ۳۸ ارتشی بودند، در خانه هایشان جلسات قرآن راه انداختند و دوره بین همسایه های چرخید. از همان موقع حسرت داشتن مسجد در دلشان بود، طوری که این موضوع تبدیل به یکی از دغدغه هایشان شد و تعدادی از قدیمی های پیگیری کردند که زمینی را برای این منظور بگیرند.

ابراهیم روحانی نیا که یکی از همین افراد است و پیگیری های

زیادی برای این مسجد انجام داده، تعریف می کند: سال ۱۳۸۴ به مسکن و شهرسازی رفتم و برای ساخت مسجد، تقاضای زمین کردم. آن هادر سال ۸۶، زمینی به مساحت ۸۶۵ مترمربع در ازای دریافت مبلغی به ما واگذار کردند که این مبلغ را حاج محمد حسین مسعودی، حاج ابراهیم البرز، حاج محمد حسین سخت سر و مرحوم جواد رفیع نژاد پرداختند. به گفته او اهالی در سال ۹۰ هیئت امنات تشکیل دادند تا کارهای ساخت مسجد را پیش ببرند. از سال ۹۲ مشکلاتی قانونی بین سازمان آب و فاضلاب و مسکن و شهرسازی درباره سند زمین پیش آمد که باعث وقفه در کار شد و این مشکلات تا سال ۱۴۰۳ ادامه داشت. در نهایت در این سال، ۹۰۰ مترمربع دیگر به زمین مسجد اضافه شد و اداره اوقاف آن را تحویل هیئت امناداد.

او می گوید: در این سال ها من و محمد حسین مسعودی و رجبعی مولوی خیلی دوندگی کردم. کلی از این اداره به آن اداره رفتیم تا توانستیم آن ۹۰۰ مترمربع را به زمین مسجد اضافه کنیم. از سال ۹۱ با کمک اهالی، آجرهای مسجد در یک فضای سیصد متری روی هم گذاشته شد و شهریور همان سال، در حالی که هنوز ساختمانش کامل نبود، اولین نماز جماعت را در آن خواندند. روحانی نیا به خاطراتش در زمان ساخت این مسجد اشاره می کند و می گوید: خیلی وقت ها پیش می آمد که پول نداشتیم اما به لطف امام زمان (عج) جور می شد.

او دستش را به سنگ دیوار می زند و می گوید: دم غروب موقع نماز، وانت آمد و نگه داشت و این سنگ ها را خالی کرد. نفهمیدیم کی و از کجا بود. راننده گفت به من آدرس داده اند که به اینجا بیایم. دو بار هم آمدیم و دیدیم شن و سیمان مقابل در مسجد خالی کرده اند.

وقتی ۵۰ تومان، کار ۳۰۰ تومان را می کند

او تعریف می کند: سال ۹۱ نیا به جرئت گفتیم، هر جا رفتیم می گفتند کرایه اش بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار تومان می شود. ما هم این قدر نداشتیم. خدا بیامرز مرحوم محمد باقر تکاوری ۵۰ هزار تومان به من داد و گفت فعلا این را داشته باش؛ برای باقی اش هم خدا بزرگ است. یک جرئت داشت از انتهای بولوار رد می شد. سوت زدم و نگهش

فهمید شهری اولین نماز جماعتی که در مسجد صاحب الزمان (عج) فلاحی ۳۸ اقامه شد. برمی گردد به شهریور سال ۹۱. آن موقع مسجد برق نداشت و از خانه همسایه برایش برق گرفته بودند. فقط چهار دیوار، ساخته بودند و نصفی از سقف. از آن موقع تاکنون این مسجد با کمک اهالی ساخته و تجهیز شده است. ارتشی هایی که دهه ۶۰ در این محل ساکن شدند، پایه گذار این مکان بودند و حالا فرزندان آن ها عضو هیئت امنای مسجد و فعالانش هستند و نسل جدید را به خانه خدا جذب می کنند.

داشتیم. از او خواستیم برایمان با مبلغ کمتری کار را انجام دهد، قبول نکرد و گفت «من شاگردم». شماره صاحب کارش را گرفتیم و گفتیم با مبلغ کمتری کار را راه بینداز تا خیراتی برای اموالتش باشد. گفت «گوشی را به راننده بدهید». گوشی را دادیم و بعدش جرئت را آورد و چند کار دیگر هم مازاد برایمان انجام داد. آخر کار که پرسیدم چقدر بدهیم، گفت «صاحب کارم گفته هر قدر دادند، همان را قبول کن». من هم همان ۵۰ تومان را دادم و با خوشحالی به مرحوم تکاوری زنگ زدم و گفتم حاجی، ۵۰ تومان، کار ۳۰۰ تومان را کرد.

یاد امام جماعت هنوز زنده است

رجبعی مولوی که از قدیمی های محل است، نگاهش را به دور مسجد می چرخاند و ادامه می دهد: آن منبر را حاج ابراهیم البرز اهدا کرده است. صندلی ها نذری دکتر محمد بذری است. محمد علی رضانی، کولرهای مسجد را داد. گچ کاری مسجد را احمد افخمی، سنگ کاری اش را عباس زاهدی و پسرانش، و رنگ کاری اش را خدا بیامرز محمد اقبالی انجام داده اند.

مولوی دستش را به فرش ها می کوبد و می گوید: این فرش ها که می بینید، همه از خانه های اهالی آمده است و اهدا کرده اند. خرج تمام شصت روز محرم و دعای ندبه هر هفته را مردم می دهند. دیگ و وسایل را مرحوم دکتر محمد علی رستمی، مرحوم جواد اکبرزاده و مرحوم محمد طحان اهدا کرده اند.

او یاد اولین امام جماعت مسجد می کند و می گوید: مرحوم حجت الاسلام والمسلمین محمد باقر تکاوری اولین امام جماعت اینجا بود. به خاطر ابتلا به کرونا فوت کرد. خیلی برای مسجد زحمت کشید. تمام اقدامات عمرانی و فرهنگی به پشتوانه او انجام می شد. او باعث شد که مسجد ما این قدر مردمی باشد. اخلاقش خوب بود و همه را جذب می کرد. خودش می رفت با بچه ها پینگ پنگ بازی می کرد و آن ها را به استخر وارد می برد.

آقا رجبعی تخته وایت برد کنار مسجد را که تاریخ و ساعت برنامه های طول هفته بر آن نوشته شده است، نشان می دهد و می گوید: ببینید؛ این قدر که یاد مرحوم تکاوری در دل نمازگزاران زنده است، هنوز تاریخ جلسات و اسم او را پاک نکرده اند. خدا رحمتش کند.

نسلی تازه برای قبله قدیم

محسن البرز از دوسالگی در همین محل بزرگ شده و پدرش جزو خیران احداث مسجد است. او تعریف می کند: زمانی که هنوز مسجد ساخته نشده بود و جلسات قرآن خانگی داشتیم، برای ما بچه ها مسابقه می گذاشتند و جایزه می دادند. یک بار در مسابقه حفظ قرآن، یک قاب عکس به من جایزه دادند که هنوز آن را دارم. بعد از آن تشویق شدم و تا مسابقات کشوری رفتم. امید حسینی نژاد که اکنون قاری بین المللی است، از همین جلسات رشد کرد. پدرش هم جزو نمازگزاران مسجد است.

البرز اکنون دغدغه جذب نسل جدید به مسجد را دارد و در این راستا خودش پا در میدان گذاشته و کارگروهی فرهنگی تشکیل داده است.

آقا محسن به سه شنبه های فوتبالی، اردوهای شب مانی در مسجد، سینما، مسابقات لیزرنگ و... اشاره می کند و می گوید: پایه گذار این مسجد ارتشی ها بودند و حالا فرزندان همان ارتشی ها و نوه هایشان در این مسجد حضور دارند.

به گفته البرز، هیئت نوجوانان مسجد حدود هفتاد نفر از نوجوانان محل را شامل می شود که نه تنها در اجرای برنامه، بلکه در هزینه های آن مشارکت دارند.

● مسجد ما حال و هوای دیگری دارد

نجمه فیض آبادی، مادر شصت و پنج ساله ای که خانه شان نزدیک مسجد صاحب الزمان (عج) قرار دارد، تعریف می کند: تابستان گذشته، یک شب از هیاهوی مسجد متوجه شدم در آن برنامه ای دارند. وقتی مراجعه کردم، دیدم کودکان و نوجوانان هستند و اردوی شب مانی در مسجد برگزار کرده اند. فضا آن قدر شاد و پرانرژی بود که نوه خودم را هم بردم. از آن موقع هر وقت به اینجا می آید، می گوید برویم مسجد.

او ادامه می دهد: این مسجد با کمک همین اهالی ساخته شد. خدا را شکر حالا بچه ها و نوه هایمان از آن استفاده می کنند. علی اکبر نورالدینی که از قدیمی های محل است، می گوید: زمانی که اینجا مسجد نداشت، به مساجد خیابان ها و محله های دیگر می رفتم. از وقتی این مسجد ساخته شد، با اینکه نیمه کاره است، همین را به دیگر مساجد ترجیح می دهم.

به نظر او مسجد محله شان حال و هوای دیگری دارد و همین که نمازگزاران یکدیگر را می شناسند، خیر و برکات زیادی رقم می خورد.



خاطرات بتول جبینی از ۱۴ سال زندگی مشترک با شهید عزیزا... آقاجان زاده

پرنده‌ای که از ما جدا شد

خودش را به شکل حاجی فیروز درآورد. آن قدر بچه‌ها را خندانند تا دلخوری امیررضا رفع شد.

● خاک سپاری در روز سیزده به در

از جبهه که نامه می نوشت، هر بار آخر کاغذ یک نقاشی تکراری می کشید، پنج پرنده، دو پرنده بزرگ در پیش و سه پرنده کوچک در پشت سرشان. هیچ وقت توضیح نداد اما من می دانستم که دو پرنده خودم و خودش هستیم و سه پرنده کوچک، محمد علی و امیررضا و مریم گلی.

آخرین باری که نامه نوشت، پانزده روز قبل از عملیات فتح المبین بود. در آن نامه، یکی از پرنده‌های بزرگ، از بقیه فاصله گرفته بود. بعد از شهادت عزیزم مدام این موضوع در ذهنم می چرخید که او می دانست این آخرین نامه‌ای است که برای ما می نویسد. همین هم شد؛ روز اول فروردین سال ۶۱ به شهادت رسید. ابتدا پیکرش را به اشتباه به تهران برده بودند، اما روز ۱۲ فروردین پیکرش به مشهد بازگشت و روز سیزده به در هم به خاک سپرده شد.

نام و نام خانوادگی: عزیزا... آقاجان زاده

تاریخ تولد: ۱۳۲۰/۱۱/۹

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۱/۸

محل شهادت: شوش، عملیات فتح المبین

نام همسر: بتول جبینی

نام فرزندان: محمد علی، امیررضا، مریم

مثل برادرانش از دو چرخه سواری لذت ببرد. همیشه می گفت: «مگر می شود من دو چرخه سواری بروم و مریم گلی بابا جا بماند؟»

● بابا در نقش حاجی فیروز

بین بچه‌ها امیررضا از بقیه پر جنب و جوش تر بود و زیاد سرو صدا می کرد. یک روز عزیزا... که خسته بود، به امیررضا تشر زد و گفت: «بنشین دیگر! خسته ام کردی.»

امیررضا خیلی بهش برخورد. رفت به اتاق و چند ساعتی با پدرش قهر کرد. بعد از نصف روز هر چه عزیزا نازش را کشید، فایده‌ای نداشت. آخر سر عزیزا رفت و بازغال، صورتش را سیاه کرد و



رضا ریاحی در زندگی بتول جبینی هنوز هم صدای آرام و دل نشین مردی که دخترش را «مریم گلی بابا» خطاب می کرد می پیچد؛ صدایی که از پشت سال ها دل تنگی می آید، صدای مردی که تمام عمرش را میان عشق به خانواده و میهن تقسیم کرد و هیچ کدام را نیمه کاره نگذاشت.

عزیزا... آقاجان زاده، پدری که شب ها قبل از خواب برای امیررضا و محمد علی قصه می گفت و لبخند مریم گلی اش را زندگی می کرد. در اولین روز بهار سال ۶۱ و در اولین روز عملیات فتح المبین به شهادت رسید. بتول جبینی، همسر شهید، حالا راوی خاطرات اوست.

● دو چرخه سواری خانوادگی

من و آقا عزیزا... چهارده سال زندگی مشترک داشتیم. حاصل زندگی مان دو پسر بود و یک دختر؛ اول خدا محمد علی را به ما داد و بعد هم امیررضا و مریم به دنیا آمدند. عزیزا بچه‌ها خیلی مهربان بود. وقتی از بیرون می آمد، بالباس های خاکی و خسته مستقیم می رفت سراغ بچه‌ها. محال بود بدون بغل کردن آن ها وارد خانه بشود.

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، در تربیت جام زندگی می کردیم. عزیزا... دو تا دو چرخه برای محمد علی و امیررضا خریده بود و خودش هم یک دو چرخه ۲۸ چینی داشت. عصر که می شد، همه با هم می رفتند و دو چرخه سواری. یادم می آید مریم کوچک بود و نمی توانست رکاب بزند؛ برای همین عزیزا، روی دو چرخه خودش یک زین کوچک درست کرده بود تا مریم هم

علی بهمن آبادی، دارنده رتبه ۹ کنکور علوم انسانی، از مسیر تحصیلی اش می گوید

موفقیت با «بی نهایت شو»



● برنامه ریزی درسی ات چطور بود؟

از مشاور مدرسه مان اصول کلی برنامه ریزی را یاد گرفتم و براساس آن برای خودم یک برنامه نوشتم و مطابق آن درس می خواندم.

● تا حالا نمره کم هم گرفته‌ای؟

بله. حفظ تاریخ برایم سخت است. امتحانات نوبت اول، تاریخ را گذاشتم شب امتحان بخوانم که در ذهنم بماند اما بدتر شد و نمره ۵ گرفتم. البته بعدش در نوبت دوم و نهایی ۲۰ گرفتم. این قدر کتاب را ورق زده و خوانده بودم که صفحاتش داشت از هم جدا می شد.

● از کتاب های کمک درسی هم استفاده کردی؟

فقط برای یک درس. باقی را خودم خواندم. به نظرم استفاده بیش از حد از کتاب های کمک درسی حتی می تواند مضر باشد، به خصوص در رشته انسانی. فرد باید آن قدر کتاب را بخواند تا آن را حفظ شود. همین کافی است.

● اوقات فراغت چطور می گذرد؟

به کوه می روم. کتاب های علمی هم مطالعه می کنم. معتقدم ورزش در روزهای پشت کنکور خیلی ضروری است و به کاهش اضطراب کمک می کند.

● برنامه ات برای آینده چیست؟

می خواهم هم زمان با اینکه در رشته روان شناسی ادامه تحصیل می دهم، در اندیشه ها و پژوهش ها کارهای تحقیقاتی انجام دهم.

● اهل شعر و شاعری هم هستی؟

دیوان های اشعار را می خوانم اما هنوز خودم نتوانسته ام شعر بسرایم.

● به چه شعرهایی علاقه داری؟

تمثیل های مولانا و حال و هوای اشعار اخوان ثالث و شاهنامه فردوسی را دوست دارم.

● از زمان کنکور بتو. روزی چند ساعت درس می خواندی؟

حدود پنج شش ساعت. اما همین با تمرکز و آرامش بود. خیلی های بیشتر از این می خوانند اما چون تمرکز ندارند نتیجه خوبی نمی گیرند.



● همیشه شهری آروزی که سامانه اعلام

نتایج کنکور امسال، نام علی بهمن آبادی را به عنوان رتبه ۹ علوم انسانی نشان می داد. پدر و مادرش باور نمی کردند و می گفتند شاید اشتباه باشد تا اینکه یکی از بستگان برای تبریک تماس گرفت و گفت نام این دانش آموز موفق محله سرفرازان را جزو نفرات برتر کنکور دیده است. البته این نتیجه برای خود علی آن قدر هایبگانه نبود و براساس نتایج تست هایی که می زد، توقع چنین رتبه ای را داشت.

● چه چیزی بیشتر از همه در موفقیتت تأثیر داشت؟

کلاس نهم که بودم در دوره «بی نهایت شو» آستان قدس شرکت کردم. این دوره به لحاظ معرفتی و سبک زندگی، من را متحول کرد و همه موفقیت هایم را نتیجه آن می دانم.

● تلاش خودت چقدر بوده است؟

خودم هم تلاش کردم ولی حتی تلاش و تمرکز نتیجه شرکت در آن دوره بود. قبل از آن خیلی دل به درس نمی دادم.

● چه شد که به رشته انسانی رفتی؟

به موضوعات فلسفی و نظری علاقه داشتم. پدرم که به بوستان سعدی علاقه دارد، به شوخی می گفت برو رشته انسانی تا بتوانی برایم شعر بخوانی. ولی جدی جدی من سر از رشته انسانی درآوردم.



مجموعه ورزشی «باشگاه برق خراسان» سال ۱۳۸۰
در این معبر بنا شد و حالا در دو بخش آقایان و بانوان
و در رشته‌های متنوعی مانند کشتی، یوگا، تکواندو،
کاراته، فوتبال، ووشو، والیبال و هندبال فعالیت دارد.



دبستان ابتدایی «نورهدایت» سال ۱۳۶۰ در
این معبر احداث شد و یک شیفت آن در اختیار
دختران و شیفت دیگر در اختیار پسران است.

درمیان هیاھوی آموزش و ورزش

رضاریاحی اکوچه لادن ۲۲ به نام شهید علیرضا سروایلی مزین شده و بخشی از محله لادن است. این
معبر که از سمت دیگر به کوچه عماد خراسانی ۲۳ می‌رسد، تا سال ۱۳۶۵ جزو محدوده شهری محسوب
نمی‌شد. این معبر و محدوده اطراف آن روی بقایای روستای پاچنار قرار گرفته است. پاچناریکی از
روستاهای قدیمی نزدیک مشهد بود که تا سال ۱۳۶۰ حدود پانزده خانوار جمعیت داشت.

۹

کوچه لادن ۲۲
محله لادن



یکی از ایستگاه‌های مبادله پسماند خشک
منطقه ۹ در خیابان لادن ۲۲ قرار دارد. در این
ایستگاه در قبال دریافت پسماند، کیسه زباله
و مواد شوینده و بهداشتی به اهالی ارائه می‌شود.

زمین‌های رها شده از بزرگ‌ترین معضلات این
معبر است که به خاطر جلوگیری از خطرات احتمالی،
بخش‌هایی از این اراضی با بلوک‌های بتنی مسدود
شده و روی آن نوشته‌اند: «خطر حمله سگ»!



مؤسسه آموزش عالی «خردگرایان مطهر» از
سال ۱۳۸۵ در ابتدای خیابان لادن ۲۲ احداث شده
و دارای امکانات رفاهی از قبیل سلف سرویس،
کافی‌نت و خوابگاه خواهران، کتابخانه و سالن
مطالعه است. در این مؤسسه رشته‌هایی مانند
کامپیوتر، هتلداری، نقشه‌برداری، روان‌شناسی،
فقه و مبانی حقوق، مدیریت بازرگانی و گردشگری
مذهبی تدریس می‌شود.